



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۸/۱۰



م. اسحاق نگارگر

اگر صلح میکنید از انتخابات بگذرید!



صلح با انتخابات چه رابطه دارد؟

امارت اسلامی طالبان نظامی است که به انتقال قدرت از یک دست به دست دیگر اعتقاد ندارد و همین نظام مبتنی بر دکتاتوری ملایان را آنان حکومت خدا بر زمین می دانند و هرکس که در باره این ملا سالاری گرفتار شک و تردید شود کارش را به کفر و زندقه و خروج از اسلام می کشانند و همین شیوه حکومت دینی بود که کشیشان قرون وسطی بر جامعه قیل از رنسانس بر اروپا تحمیل کرده بودند و دانشمندان را که به فرمان تحقیق و تجربه علمی بر اعتقادات کلیسا شک می کردند بیرحمانه در آتش می افکندند و "ژوردانو برونو" یکی از قربانیان معروف آن بود. کلیسا آزادی ها و تحصیل زنان را حرام می خواند و همانند همین طالبان روزگار ما اگر مجبور می شدند زیر فشار اجتماعی به اصل ضرورت تعلیم و تربیه تن می دادند حرف حساب شان این بود که زنان و مردان جدا از هم و در مکاتب جدا از هم درس بخوانند که این فشار غیر لازم بر اقتصاد جامعه از هیچ دیدگاه پذیرفتنی نبود زیرا که اقتصاد ایجاب می کند که جامعه با مصارف کم کار زیاد انجام بدهد.

بدترین سیمای این سیستم راندن نیروی کار جامعه به صومعه ها و عبادتگاه های دور از شهر بود که در آن راهبان و ارباب کلیسا بر هزاران زن تجاوز کردند و آن زبان را طعمه زبانه های آتش کردند و بالاخره نهضت رنسانس در سرپای جامعه اروپایی با قبول قربانی های فراوان دست تسلط کلیسا را از زندگانی اجتماعی کوتاه کرد.

عاقل همیشه از تجربه های مثبت و منفی دیگران می آموزد و شیوه عمل خود را طوری عیار می کند که عقبگردی ها را در تاریخ خویش کاهش دهد و برای همین است که مطالعه تاریخ به درد می خورد ولی ساده لوح دو پا را در یک موزه می کند که جامعه را از حالت اعتدال بیرون آورد و تجارب منفی را بار بار تکرار کند.

اسلام دینی زنده و پر از تحرک بود که در یک صد سال بعد از رحلت نبی کریم نیم جهان آن روز را تسخیر کرد و دانشمندان و ساینس دانان مسلمان پیشقراول نهضت های علمی گردیدند در حالیکه محافظه کاران مذهبی غم غم کنان ابن سینا، ابن عربی و دیگر پیشگامان فکر و اندیشه را تکفیر می کردند اما تاریخ به راه خود رفت.

امروز جهان اسلام سخت گرفتار بحران عقیدتی گردیده است و حتی جریان های مذهبی نیز متهم استند که در دست قدرت های بزرگ سیاسی بازیچه استند.

امروز جهان اسلام سخت نیازمند نهضت های علمی و فرهنگی است که کشتی اسلام را به سوی رهایی از فقر و گرسنگی برهاند و به سوی استقلال اقتصادی و سیاسی راهنمایی کند و اسلام را از دستگیری دیگران نجات دهد و چنانکه رسول مقبول فرموده بود دست مسلمان را از این حالت دست گیرنده و گدا به دست بخشنده و کریم بدل کند و این کار از یک نظام ملا سالار به هیچوجه ساخته نیست.

امریکا در مذاکرات خود با طالبان منفعت خود را در منطقه در نظر دارد و شاید با پذیرش نظام "امارت اسلامی" در افغانستان برای خود یک عربستان سعودی دیگر ایجاد کند که خریدار سر به زیر مودرن ترین سلاح های امریکا باشد و از آن سلاح ها برای هرج و مرج و پراکندگی در دنیای اسلام استفاده کند.

مقامات افغان که تا حال وارد میدان مذاکره با طالبان گردیده اند منفعت طلبانی بوده اند که می خواستند طالبان با ثروت ها و اندوخته های آنان کاری نداشته باشد و حتی در گوشه و کنار امارت اسلامی خود یگان مقام وزارت و سفارت به ایشان نیز ببخشند و از این گونه معامله گران کار افغانستان به صلاح نمی رسند و اگر طالبان با دولتی که از کوره انتخابات افغانستان با یک درجه صلاحیت بیشتر وارد معرکه می شود، میتواند با دست پر وارد مذاکره شوند، گفت و گو کنند طبعاً آن دولت که رأی مردم را با خود دارد صلاحیت بیشتر دارد به همین دلیل من برخلاف دیگران فکر می کنم که نخست انتخابات و بعد از آن مذاکره صلح با طالبان و در این مذاکره با طالبان چند اصل باید مطرح باشد:

۱ (آیا طالبان انتخابات آزاد و اصل اراده مردم را می پذیرند؟)

۲ (اگر طالبان بر ایجاد "امارت اسلامی" یا فشاری می کنند آیا حاضر استند زیر نظر ملل متحد امارت خود را در آیین رفراendum و پرسش از مردم ببینند یا آنرا به زور سرنیزه بر مردم تحمیل میکنند.)

۳ (طالبان آزادی احزاب سیاسی، آزادی مظاهرات و آزادی های مدنی را می پذیرند و یا یک جامعه بسته و گردن زن ایجاد می کنند که در قونسلگری خود یک ژورنالیست مخالف را با اعمال صد گونه شکنجه بکشند و با تمام لباس ها در چشم جهانیان درآیند و به بادر امریکایی رشوه ها بدهند و قضیه را مانند ژورنالیست به خاک فراموشی بسپارند.)

۴ (موضوع اخیر ولی پر اهمیت تر از موضوعات بالایی موضوع تعلیم و تربیه زنان است. طالبان برای زنان مطابق استعداد و گرایش فکری شان فرصت تعلیم و تربیه میدهند یا هنوز هم جاهلانه کار را به کارهای زنانه و مردانه تقسیم می کنند. اصرار طالبان بر مکتب ها و پوهنتون های جداگانه نه از نظر اقتصادی ممکن است و نه از نظر تسهیلات.)

آخر چه گونه یک کشور فاقد استقلال اقتصادی می تواند برای زنان و مردان پوهنتون های جداگانه ایجاد و استاد های جداگانه استخدام نماید.

اگر طالبان صلح می خواهند باید دلایل قانع کننده بگویند و دلایل قانع کننده بشنوند و اگر به عنوان یک نیروی غالب می خواهند جامعه را به مذاق خود شکل بدهند در این صورت صلحی در کار نیست و دیگر مردم نیز با آنان به زبان بیدل سخن می گویند که:

زین عرصه اذداد مکش ننگِ فِسرَدن گیرم همه تن صلح شوی جنگ برون آ

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۹ آگست ۲۰۱۹ نگارگر

*** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند،
میتوانند با اجرای "کلیک"ی بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند .

اگر صلح میکنید از انتخابات بگذرید!
E_negargar_56_agar_solh_mekhahed.pdf

